

نگاهی به کتاب زنان کوچک اثر "لوئیزا می الکات"

زنان کوچک نام رمان بلندی از لوئیزا می الکات، نویسنده آمریکایی است. داستانی که به بیش از ۵۰ زبان ترجمه شده و موفق شده است از میان مرزهای فرهنگی و مذهبی عبور کند. داستان در مورد زندگی ۴ خواهر - مگ، جو، بت و ایمی مارچ - است که با الهام از زندگی واقعی نویسنده با سه خواهرش نوشته شده است.

داستان کتاب زنان کوچک در مورد خانواده مارچ است که قبلاً پولدار بوده‌اند ولی الان وضعیت خوبی ندارند و پدرشان برای کمک به سربازان وطن به جنگ رفته است و حالا آن‌ها سعی می‌کنند زندگی خود را اداره کرده و در کنارش به مردم محتاج کمک کنند. آن‌ها همگی زندگی نسبتاً سختی دارند و از یکدیگر حمایت می‌کنند و ماجراهای جالبی برایشان پیش می‌آید.

در کتاب دوم، ماجراهای جالبی پیش می‌آید که از برجسته‌ترینشان می‌توان به این ماجراها اشاره کرد:

لاری عاشق جو می‌شود و جو هم که این موضوع را فهمیده است سعی می‌کند از او دوری کند؛ ولی یک روز وقتی برای قدم زدن به بیرون می‌روند لاری درخواست خود را به زبان می‌آورد و از جو می‌خواهد با او ازدواج کند. لاری به او می‌گوید که از اولین لحظه‌ای که او را دیده است عاشقش شده است. جو درخواست او را رد می‌کند و به او می‌گوید که با وجود این که سعی کرده است، نتوانسته است عاشق لاری باشد.

لاری که افسرده شده است به همراه پدر بزرگ خود به اروپا می‌رود و در آن جا ایمی را ملاقات می‌کند و چون ایمی خیلی با او مهربان بوده است، عاشق ایمی می‌شود و ایمی هم که او را دوست دارد با او ازدواج می‌کند.

خواهر خود بسیار اندوهگین شده است کتابی به نام "بت من" (My Beth) می‌نویسد و آن را برای دوست خود پروفیسور می‌فرستد. پروفیسور با خواندن کتاب عاشق جو می‌شود و جو هم با وجود این که به لاری گفته است هرگز ازدواج نمی‌کند، عاشق پروفیسور می‌شود و وقتی پروفیسور بعد از ازدواج ایمی و لاری به آمریکا می‌آید، جو را ملاقات می‌کند و سرانجام به او می‌گوید که دوستش دارد و آن‌ها با هم ازدواج می‌کنند.